خبر

مسابقات قرآن و نهج‌البلاغه در پخش چهارمحال و بختیاری

مرحله نهایی مسابقات قرآن و نهج‌البلاغه با حضور فرزندان کارکنان شرکت پخش منطقه چهارمحال و بختیاری در مشهد برگزار شد.

به گزارش **روابط‌عمومی پخش منطقه چهارمحال و بختیاری**، فرزندان کارکنان این منطقه به نام‌های نرگس آقانوری، سجاد متین و صادق متین به ترتیب در رشته‌های حفظ ۱۰ جزء از قرآن، نهج‌البلاغه و حدیث با کسب رتبه عالی موفق به شرکت در این مرحله از مسابقات شدند.

موفقیت کارکنان پالایشگاه بندرعباس در مسابقات قرآنی

اولین دوره مسابقات قرآنی کارکنان حراست شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی به میزبانی شرکت پالایش نفت اصفهان و با حضور مدیرعامل و مسوولان این شرکت و رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه اصفهان برگزار شد.

به گزارش **روابط‌عمومی شرکت پالایش نفت بندرعباس**، در این دوره از مسابقات دو نفر از کارکنان حراست شرکت پالایش نفت بندرعباس به نام‌های مجید دژدار و سیدجمیل هاشمی به ترتیب در رشته قرائت و ترتیل به مقام‌های اول و سوم دست یافتند.

تجلیل از خانواده‌های شهدای گاز استان زنجان

در مراسم گرامیداشت یاد و خاطره شهدای انقلاب اسلامی و امام راحل از ۱۵ خانواده شهید شرکت گاز استان زنجان تجلیل شد.

به گزارش **روابط‌عمومی شرکت گاز استان زنجان**، در این مراسم مهندس سرایلو، مدیرعامل این شرکت گفت: تجلیل از خانواده‌های شهدا در دهه مبارک فجر فرصتی است برای تجدید میثاق با آرمان‌های امام خمینی(ره) و شهدا.

مهندس سرایلو ضمن ارج نهادن به ایثارگری‌ها و پایمردی‌های ایثارگران و خانواده‌های صبور آن‌ها یادآور شد: حفظ و گسترش فرهنگ شهادت و شهادت‌طلبی و از خودگذشتگی جوانان غیور ایران اسلامی، نظام جمهوری اسلامی ایران را بیمه کرده است. وی با بیان این که ایمان و اعتقاد دینی رمز پایمردی مردان غیور کشورمان است، افزود: صبر و استقامت، اعتماد به نفس، وحدت و هماهنگی ملت ایران و خودباوری برای آیندگان پیام انقلاب اسلامی ایران برای جهانیان است. مدیرعامل شرکت گاز استان زنجان اظهار داشت: موفقیت این شرکت در تمامی امور به خصوص در امر خدمت‌رسانی، مدیون روحیه بسیجی کارکنان این شرکت است.

نشست فرهنگ انتظار در شرکت عملیات غیرصنعتی

به مناسبت سالروز آغاز امامت حضرت ولیعصر(عج) نشست هماهنگی و برنامه‌ریزی ویژه برنامه‌های نهم ربیع‌الاول با حضور علیرضا محمودی‌شاد، مسوول کانون انتظار شرکت عملیات غیرصنعتی و مربیان پرورشی مدارس غیرانتفاعی برگزار شد.

به گزارش **روابط‌عمومی شرکت عملیات غیرصنعتی و خدمات صنایع پتروشیمی ماهشهر**، علیرضا محمودی گفت: ترویج فرهنگ انتظار و مهدویت در بین دانش‌آموزان و فرهنگیان با توجه به هجوم فرهنگی دشمنان اسلام و تشیع به برنامه‌ریزی مدون از سوی آموزش و پرورش نیاز دارد.

وی اضافه کرد: برنامه‌های فرهنگسرای انتظار در نهم ربیع‌الاول در مدارس، شامل سخنرانی، برگزاری مسابقه روزنامه‌دیواری با عنوان «نگین زمان» در ۳ مقطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، برپایی اردوگاه منتظران آفتاب در پارک ارم شهر چمران و همچنین دوره آموزشی مهدویت برای مربیان است تا این عزیزان بتوانند از برنامه‌های مذکور نهایت بهره را ببرند.

مسوول کانون انتظار شرکت عملیات غیرصنعتی در پایان اظهار داشت: نهادینه کردن فرهنگ انتظار و مهدویت در مدارس می‌تواند یکی از راه‌های موثر برای شناخت جایگاه حضرت ولیعصر(عج) باشد. از مربیان و فرهنگیان انتظار می‌رود با توجه جدی به مباحث مهدویت و انتظار به این معرفت و تبیین آن در جامعه کمک کنند.

دیدار کارکنان شرکت گاز با امام جمعه سمنان

علیرضا جراحی، مدیرعامل شرکت گاز استان سمنان به همراه اعضای هیات مدیره، اعضای شورای پایگاه بسیج و روسای واحدهای مختلف ستادی با حجت‌الاسلام شاهچراغی نماینده ولی فقیه و امام جمعه سمنان دیدار کردند.

به گزارش **روابط‌عمومی شرکت گاز استان سمنان**، در این جلسه علیرضا جراحی ابتدا آمار کاملی از وضعیت گازرسانی قبل و بعد از انقلاب ارائه کرد و سپس گسترش روزبه‌روز خدمات گازرسانی در سطح استان سمنان و کشور را به منظور کم کردن فاصله‌های دسترسی آحاد مردم به این نعمت الهی یادآور شد و افزود: بررسی‌های لازم در این زمینه انجام شده و اقدامات راهبردی مفید نیز در حال انجام است.

مدیرعامل شرکت گاز استان سمنان همچنین از ائمه محترم جمعه خواست مردم را در امر صرفه‌جویی و پرداخت بدهی‌های خود به این شرکت سفارش کنند تا پروژه‌های گازرسانی با جدیت هرچه تمام‌تر دنبال شود و سهم بهره‌مندی مردم عزیز استان سمنان از این نعمت الهی افزایش یابد.

در ادامه حجت‌الاسلام سیدمحمدتقی شاهچراغی، نماینده ولی فقیه و امام جمعه سمنان نیز در این دیدار با ذکر روایتی از پیامبر(ص) خاطرنشان کرد: اصل و اساس در اسلام مردم هستند، به طوری که در روایات متعددی آمده که اگر خداوند کسی را دوست داشته باشد، او را محل مراجعه مردم قرار می‌دهد.

گفت‌وگو با جانباز عبدالکریم هرمزی

زیر شمشیر غمش رقص‌کنان باید رفت

عبدالکریم هرمزی سال ۱۳۳۳ در آبادان متولد شد و در تیرماه سال ۵۶ به استخدام شرکت نفت درآمد. با آغاز حملات رژیم بعث عراق به کشورمان، وی داوطلبانه به سوی جبهه‌های جنگ شتافت و در اسفند سال ۵۹، در ۱۵ کیلومتری شهر اهواز نزدیک ساختمان شرکت نورد از ناحیه گردن مجروح شد. عبدالکریم هرمزی در حال حاضر از جانبازان قطع نخاعی است و آسیب و جراحت وارده بر مهره‌های چهارم و پنجم گردن او به گفته پزشکان، بالاترین نوع ضایعه محسوب می‌شود. با این همه در گفت‌وگو با عبدالکریم هرمزی، بیش از هر چیز این گشاده‌رویی و ایثار او بود که به گونه‌ای وصف‌ناپذیر در رفتار و گفتار او به چشم می‌خورد. از همکاران روابط عمومی مناطق نفتخیز جنوب برای انجام این گفت‌وگو سپاسگزاریم.

شنیده‌ایم پس از پایان دوران سربازی به استخدام شرکت نفت درآمدید که خود به نوعی سربازی در خدمت صنعت و اقتصاد کشور به حساب می‌آید. از آن روزها برای‌مان بگویید.

تیرماه سال ۵۶ بود که دوران سربازی‌ام تمام شد و با مدرک دیپلم طبیعی در امتحان ورودی شرکت نفت حضور یافتم و خوشبختانه با لطف خداوند در آن آزمون یکی از ۳ نفر قبول‌شده بودم.

پس از قبولی در آزمون در چه بخشی از صنعت نفت، مشغول به کار شدید؟

برای کار در اداره کل حفاری به عنوان «کمپانی من» پذیرفته شدم، بنابراین دوره‌های آموزشی ۵ ساله‌ای را که برای انتصاب به سمت لازم بود، آغاز کردم. البته به ۵ سال نکشید که جنگ تحمیلی آغاز شد.

در طول مدت آموزش، کار هم می‌کردید؟

بله. در واقع کار به نوعی آموزش عملی محسوب می‌شد و هر دوره‌ای را که می‌گذراندیم متناسب با آن دوره، ما را روی دکل‌های خاصی در دریا و خشکی می‌فرستادند و آموزش عملی نظارت بر عملیات حفاری را می‌دیدیم.

روزهای دفاع مقدس برای همه ایرانیان یادآور خاطرات زیادی است و مسلما برای شما و دیگر ایثارگران این خاطرات، بخش جدانشدنی از زندگی است. از آن حال و هوا بگویید.

واقعا همین‌طور است که می‌گویید. من منقضی خدمت سال ۵۶ بودم که آن زمان برای گذراندن دوره احتیاط به سربازی فراخوانده شده بودم، البته شرکت با نظام وظیفه هماهنگ کرده بود که برخی از کارکنان به دلیل تخصص و ویژگی کارهایی که انجام می‌دهند، به سربازی نروند و طبیعی بود که به جهت آموزش‌هایی که این افراد دیده بودند اجازه حضور در جنگ را پیدا نمی‌کردند، به عبارتی در جبهه صنعت بیشتر به این همکاران نیاز بود. من هم جزو همین گروه بودم و می‌توانستم از این معافیت استفاده کنم چون مجموعه واقعا به من نیاز داشت. با وجود این مانند بسیاری از ایثارگران نفتی ترجیح دادم به جبهه بروم. بر این اساس داوطلب شدم تا به مناطق عملیاتی بروم. در آن زمان شرایط به گونه‌ای بود که هر ایرانی آزاده‌ای جای من بود همین تصمیم را می‌گرفت، چراکه دشمن تا دروازه‌های شهر اهواز رسیده بود و در حال پیشروی به سمت شهر بود.

حالا که روزگار خود را در بستر می‌گذرانید و به آن روزها فکر می‌کنید، از تصمیمی که گرفتید راضی هستید؟

به‌رغم مشکلات فراوانی که دارم، حتی برای ثانیه‌ای هم به این موضوع فکر نمی‌کنم. زیرا همواره بر این باورم که بهترین نحوه شکرگزاری از نعمات الهی سر تسلیم فرود آوردن در مقابل مشیت الهی و تقدیرهایی است که از طرف حضرت حق برای ما انسان‌ها رقم می‌خورد.

در اوقاتی که در بستر تان بیدار هستید، مطالعه هم می‌کنید؟

برای مطالعه کردن مشکل دارم، چون نمی‌توانم کتاب را نگه دارم یا ورق بزنم. مشکلات دیگری هم هست مثلا من برای مدت طولانی نمی‌توانم سرم را پایین نگه دارم. این هم از تبعات ضایعه‌ای است که دارم.

به عنوان یک جانباز قطع نخاعی مشکل خاص دیگری هم دارید؟

یکی از مشکلات جسمی‌ام ناتوانی تطابق دمای بدن با محیط است، یعنی با دمای گرم محیط، بدن من هم گرم و با اندکی سرما بدنم سرد می‌شود. در واقع بدنم قابلیت تطبیق با دمای بیرون را ندارد و دمای بدنم تابع دمای محیط است. البته افت ضربان قلب و فشار خون هم از عوارض این ضایعه به شمار می‌رود و به همین سبب فشار خون من حدود ۱۰ و ضربان قلبم ۵۰ تا ۵۵ است. به همین علت وقتی سرم را به سمت پایین نگه می‌دارم، یکسری مشکلات برایم به‌وجود می‌آید.

تا به حال برای معالجه به خارج از کشور سفر کرده اید؟

سال‌های ابتدایی مجروحیتم و پس از پایان معالجاتم در داخل کشور، با هزینه شخصی و البته کمک شرکت نفت به انگلستان رفتم و یک سالی هم در بیمارستان «استوک مندویل» که بزرگ‌ترین مرکز ترمیم ضایعات نخاعی جهان است بستری شدم. این در شرایطی بود که در ایران تجربه درمان مجروحان قطع نخاعی وجود نداشت و من جزو اولین نفراتی بودم که دچار این عارضه شده بودم. آسیب و جراحت من هم از مهره چهارم و پنجم گردن است که بالاترین نوع آسیب و ضایعه‌ای است که ممکن است وجود داشته باشد.

چون بعد از آن سیستم تنفسی از کار می‌افتد و دیگر امکان ادامه حیات برای بیمار وجود نخواهد داشت. البته حضور من در انگلستان بیشتر جنبه آموزشی داشت، چراکه برای کنار آمدن با این ضایعه و عوارض آن یکسری آموزش‌هایی لازم است و آن زمان در ایران این آموزش‌ها ارائه نمی‌شد. خوشبختانه امروز وضع فرق کرده و کشور ما از جمله پیشتازان عرصه تحقیقات مرتبط با عارضه قطع نخاع است.

در حال حاضر برای ادامه معالجات خود زیر نظر پزشک خاصی هستید؟

بله، پزشکانی هستند که تحت نظر بنیاد جانبازان و امور ایثارگران فعالیت می‌کنند و آموزش‌های موثری را ارائه می‌دهند که من زیر نظر آن‌ها درمانم را ادامه می‌دهم.

مهم‌ترین میراث معنوی یک جانباز و ایثارگر برای نسل آینده خود چیست؟

نسل آینده باید عشق به وطن را بیاموزد و در مقابل دفاع از میهن خود در برابر بیگانگان مسوولیت داشته باشد.

پدران و مادران امروزی باید فرزندان خود را به گونه‌ای پرورش دهند که نسل آتی هرگز از خاطر نبرد که برای پاسداری از این مرز و بوم چه انسان‌هایی جان خود را در طبق اخلاص گذاشتند و در مقابل اهریمنان سینه سپر کردند. اگر نوجوان ۱۳ ساله‌ای نارنجک به کمر می‌بندد و زیر تانک دشمن می‌رود، او با تمام تار و پود خود واژه ایثار را درک کرده، به طوری که حتی حاضر است برای از دست ندادن ذره‌ای از خاک وطنش همه دارایی خود یعنی جسم و جانش را تقدیم کند.

عبدالکریم هرمزی: تنها خواهش ما از هموطنان بزرگوار این است که فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی را در جامعه زنده نگه دارند

آیا در این سال‌ها مشکلی پیش‌آمده که از برخورد مردم با جانبازان دلگیر شوید؟

نه. مساله خاصی نبوده. مردم اغلب به ما لطف دارند. به اعتقاد من هرچه از بزرگواری مردم عزیز ایران بگوییم کم گفته‌ایم. اگر آن روزها کسانی مثل من و دیگر رزمندگان به جبهه رفتیم و امروز با مشکلات جسمی دست و پنجه نرم می‌کنیم و روزگار می‌گذرانیم هیچ منتی نیست. اما گاه صحبت‌هایی می‌شود که تا حدودی مشکلات روحی برای ما به وجود می‌آورد.

تنها انتظارم از مردم کشورم آن است که فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی را در جامعه حفظ کنند و اگر در طول سال فرصتی پیدا کردند به جانبازان و خانواده‌های آن‌ها سری بزنند. این موضوع خود باعث دلگرمی و تقویت روحیه این عزیزان می‌شود.

امروز پس از گذشت سال‌ها از روزهای دفاع مقدس، تعریف‌تان از آن دوران چیست؟

همان‌طور که امام(ره) فرمودند جنگ برای ما یک نعمت بود و جبهه، دانشگاه انسان‌سازی. برخی اوقات وقتی همرزمانم به عیادتم می‌آیند و با یکدیگر از آن روزها و خاطرات دفاع مقدس صحبت می‌کنیم در انتها به این موضوع می‌رسیم که شاید ایثار و از خودگذشتگی آن روزها باعث شد تا امروز ایران و ایرانی به خودباوری و خودکفایی برسد.

برای شما آرزوی سلامت داریم و امیدواریم با پیشرفت علم به زودی شما هم بهبود کامل پیدا کنید و تندرستی خود را بازیابید.

من بیش از شما امیدوارم و مطمئنم روزی درمانی برای مجروحان قطع نخاعی پیدا می‌شود. البته این بحث شخصی نیست، صادقانه می‌گویم دوست دارم روزی راهی پیدا شود که بیماران، حادثه‌دیدگان و البته مجروحان قطع نخاعی درمان شوند.

خاطره

کار، با طعم شیرین خودباوری

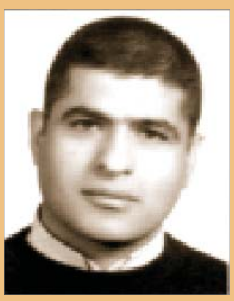

امیرعباس نوید در سال ۱۳۶۶ به استخدام شرکت ملی نفت درآمد و بعد از گذراندن دوره غواصی در مناطق عملیاتی خارک و بهرگان مشغول خدمت شد. وی با توجه به شرایط کاری‌اش، یعنی تعمیر تاسیسات زیرآب، خاطرات بسیاری از سال‌های جنگ تحمیلی دارد که در این شماره، گوشه‌ای از آن‌ها را تقدیم‌تان می‌کنیم.

آن روزها که من جوانی تازه‌کار بودم، به منطقه منتقل شدم تا بتوانم انجام وظیفه کنم و امروز بسیار خرسندم که شرایط و نیازهای آن روز منطقه، حیاتی‌ترین و کاراترین تجارب را به من آموخت. در آن ایام به واسطه پرواز مداوم هواپیماهای دشمن بر فراز منطقه و حمله آن‌ها به شناورهای بزرگ، ما ناچار بودیم با شناورهای خیلی کوچک- که از نظر جا بسیار محدود بود- به محل کار خود برویم. در یکی از حملات هوایی دشمن، چاه ۳۰۱۶ سروش تخریب شد و حجم زیادی از نفت به دریا ریخت و هنگام کار روی این چاه بود که من، به اهمیت از خودگذشتگی و تلاش مدیران و همکارانم پی بردم. آن ماموریت برای غواص تازه‌کاری مثل من تجربه بسیار خوبی بود. در اطفای حریق چاه سروش، ما باید در شرایطی بسیار سخت کار می‌کردیم. نفت تا شعاع ۱۰۰ تا ۱۵۰ متری چاهی که باید مورد بازسازی قرار می‌گرفت، در سطح آب گسترده شده بود و از سویی نیز آتش هر لحظه بیشتر زبانه می‌کشید. ما باید زیر آب شنا می‌کردیم تا به چاه تخریب شده برسیم و با عملیات برشکاری و نصب شیرهای سرچاهی (کاندا کتور) از نشت نفت جلوگیری می‌کردیم.

به هر حال، این عملیات که از اهمیت خاصی هم برخوردار بود، حدود ۳۶ روز به دراز کشید. غواصان خارجی، دستیابی به چنین موفقیتی را از سوی ما، امری غیرقابل قبول می‌دانستند و هیچ یک از آن‌ها باور نمی‌کرد که غواص‌های ایرانی توانایی چنین کار بزرگی را داشته باشند، حال آن که من، خود شاهد بودم که چگونه تمامی مراحل دشوار این کار توسط ایرانی‌ها انجام می‌گرفت.

بعد از این عملیات بود که من برای یک ماموریت آموزشی به محمودآباد رفتم، ولی در آن‌جا هم برای برخی از استادان غواصی باور این واقعیت سخت بود. بعد از عملیات چاه ۳۰۱۶ سروش، باید به منطقه لاوان می‌رفتیم و روی چاه‌های R۷ کار می‌کردیم. از ۴ چاهی که مورد حمله قرار گرفته بود، تنها ۴ کاندا کتور باقی مانده و حتی خود سکو هم کاملا منهدم شده بود. چاه‌های در حال فوران قسمت وسیعی از دریا را آلوده کرده بود، اما سرانجام، عملیات چاه‌های R۷ هم در مدت ۳ ماه و با همان شرایط دشواری که چاه سروش را مهار کرده بودیم، به انجام رسید. حتما مطلع هستید که انجام این نوع عملیات، کاری شبانه‌روزی را طلب می‌کند چون کار به مرحله‌ای می‌رسد که نمی‌توان رهایش کرد و اگر رها کنی، باید به نقطه صفر بازگردی و آن وقت است که به جای ۳۶ روز، ماه‌ها وقت لازم است تا نتیجه بگیری. آن روزها با حداقل امکانات موجود کار می‌کردیم و تنها با ایثار و از خودگذشتگی و پذیرش خطرهای بسیار، انجام چنین پروژه‌هایی میسر بود.

خنثی‌سازی بمب‌ها

یکی از روزها، قرار شد دکل حفاری‌ای که بر سکوی R۷ نصب شده است، در چاه‌ها سیمان تزریق کند تا از فوران نفت جلوگیری شود. اولین مشکلی که ما داشتیم، عمق آب بود چون ما برخلاف غواص‌های خارجی که می‌توانستند در عمق ۷۰ متری کار کنند، تنها می‌توانستیم تا عمق ۵۰ متری در آب نفوذ کنیم؛ عمق آب بیشتر از توانایی ما بود و با هوا که غواصی می‌کردیم، فقط می‌توانستیم تا عمق ۵۰ متری برویم و برای غواصی در عمق بیشتر، ناچار بودیم از ترکیب هلیوم و اکسیژن استفاده کنیم. به همین دلیل غواصی در عمق بیشتر از ۵۰ متر بسیار خطرناک بود. در چنین شرایطی، غواص دچار عوارض غواصی می‌شود (همان طور که همکارمان آقای کریمی حدود ۲۰ روز گرفتار فلج اعضا بود که خوشبختانه با قرار گرفتن در اتاق فشار، بهبود پیدا کرد). به هر حال، ما باید می‌رفتیم و از محل نصب پایه‌های دکل حفاری بازدید می‌کردیم. به محل که رسیدیم، دیدیم در جایی که قرار است پایه‌های دکل قرار گیرد، دو بمب عمل نکرده وجود دارد. با توجه به عمق زیاد آب و وجود بمب‌ها، متوجه شدیم در شرایط خطرناکی قرار گرفته‌ایم و از آن‌جا که شرکت‌های غواصی با اکراه و رقم‌های سرسام‌آور و نجومی، حاضر به انجام چنین عملیاتی بودند، تصمیم گرفتیم خودمان این کار را انجام دهیم. در آن شرایط، خیلی‌ها داوطلب شدند تا بالاخره با حضور تعدادی از بچه‌ها به سرپرستی و برنامه‌ریزی دقیق آقای عباس قلی‌زاده که در حال حاضر رئیس تعمیرات زیر آب هستند، عملیات آغاز شد. خیلی‌ها باور نمی‌کردند که ما بتوانیم از پس این کار برآییم، چون در وهله نخست، باید بمب‌ها را به سطح آب می‌آوردیم و بعد از خنثی کردن به جای امنی منتقل می‌کردیم. در عمقی که بمب‌ها قرار داشت، خطر بروز عارضه «نیتروژن نارکوسیس» هم وجود داشت، حالتی که در آن، غواص دچار نشاط کاذب می‌شود و چنانچه از عمق ۳۰ متری پایین‌تر برود، حالت یاد شده تشدید می‌شود و در صورتی که از مرز ۵۰ متر بگذرد، باید منتظر وضعیت خطرناک باشد، یعنی آن‌قدر احساس نشاط به او دست می‌دهد که گمان می‌کند ماهی است و نیازی به اکسیژن ندارد که در این حالت، هر لحظه امکان دارد دهنی کپسول اکسیژن را از خود جدا کند که در این مرحله، یا بیهوش می‌شود یا جان خود را از دست می‌دهد. به هر حال، اگرچه ما برای روبه‌رو شدن با چنین شرایطی، آموزش‌های لازم را دیده بودیم، اما در آن عمق و در کنار بمب‌ها، من صدای ضربان قلب خود را می‌شنیدم.

برای بالا آوردن بمب‌ها، ناچار بودیم از کیسه‌های هوا استفاده کنیم. این کیسه‌ها در چنین وضعیتی به اجسام بسته می‌شوند و با تزریق هوا شناور شده و به سطح آب می‌آیند. برای آوردن بمب‌ها به سطح آب، نخست باید از آن‌ها عکس می‌گرفتیم تا متخصصان مشخص کنند برای بالا آوردن آن‌ها از چه نوع کیسه هوایی باید استفاده شود.

خوشبختانه بمب‌ها دارای گوشواره‌هایی بود که برای نصب زیر هواپیما مورد استفاده قرار می‌گرفت که این قضیه خیلی به ما کمک کرد چون توانستیم از زیر بمب‌ها تسمه رد کنیم، البته با دلهره و نگرانی از امکان تکان خوردن و آزاد شدن چاشنی‌ها و انفجار بمب‌ها که احتمال آن بسیار زیاد بود. بالاخره با بستن کیسه‌ها به گوشواره بمب‌ها و انجام کارهای تخصصی که حدود دو هفته وقت صرف آن شد، بمب‌ها را خارج کردیم و زمینه برای نصب دکل آماده شد.

در آن روزها دانش جوان غواصی صنعتی، به دلیل نیازهای ما در جبهه‌های جنگ، رشدی قابل توجه پیدا کرده بود و این امر موجب شد که شرکت فلات قاره، واحد تعمیرات زیر آب را تشکیل دهد و صنعت نفت را از پیمانکاران خارجی که برای کارهای بسیار ابتدایی، هزینه‌های سنگینی به کشور تحمیل می‌کردند، بی‌نیاز سازد. با تشکیل واحد تعمیرات زیر آب و لزوم آموزش بهینه نیروها، ما را برای دیدن دوره‌های آموزش حرفه‌ای به خارج از کشور فرستادند و امروز ما غواص‌هایی داریم که علاوه بر دانش روز غواصی، توانایی‌های بسیاری دارند که ما را از بیگانگان بی‌نیاز می‌کند، ضمن این که در حال حاضر، تیم غواصی ایران، تنها واحد در منطقه است که دارای کارگاه جوشکاری زیر آب، کارگاه نجاری و کارگاه مکانیک است و تمامی مراحل تعمیرات زیر آبی، تعمیر کشتی‌ها، بازرسی‌های فنی و همه عملیات مورد نیاز کشور را خود انجام می‌دهد.

در آخر باید بگویم که جنگ به رغم رنج‌ها و ویرانی‌ها، بزرگ‌ترین دانشگاهی بود که توانست ما را از قید وابستگی رهایی بخشد و طعم شیرین خودباوری و خودکفایی را به ما بچشاند.